

استکبار از دیدگاه امام خمینی

□ قدرت الله عفتی

استکبار از ریشه کبر، در لغت به معنای خود بزرگ پنداری، برتری جویی، عدم پذیرش حقیقت و گردن کشی در مقابل واقعیت آمده است. (لسان العرب، ج ۱۲/۱۳؛ لغتنامه دهخدا، ج ۲/۱۸۴۳؛ فرهنگ بزرگ جامع نوین ج ۱۶۸۵/۲)

این صفت برای انسان ناپسند است، در قرآن صفت برتری و بزرگی برای خداوند آمده است: "هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ". (حشر/۲۳)

اوست خدایی که جز او معبودی نیست؛ همان فرمانروای پاک سلامت [بخش، و] مؤمن [به حقیقت حقّه خود که] نگهبان، عزیز، جبار [و] متکبر [است]. پاک است خدا از آنچه [با او] شریک می گردانند.

حضرت علی (ع) فرمود: الحمد لله الذي لبس العزّ والكبرياء و اختارهما لنفسه دون خلقه. (نهج البلاغه، خطبه القاصعه/ ۱۹۲)

ستایش خداوندی را که عزت و کبریایی را فقط برای خودش قرار داده است و کسی شایسته آن نیست.

این صفت فقط برای خداوند، حقیقت و پسندیده است. و برای غیر خداوند صفتی غیر واقعی و ناپسند است.

صفات کبر، تکبر و استکبار اگر برای انسان باشند هر سه موردش دارای یک مفهوم می شود

که دارنده این صفت، به جای اصالت خداوند، خود را قرار می دهد، امام خمینی می فرماید: مستکبر از روی غرور و کبر در مقابل فرمان الهی استکبار می ورزد و سرکشی می کند؛ صفت استکبار در مقابل صفت استسلام به معنای فروتنی در برابر خداوند است. (شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۹۸)

فرد مستکبر بخاطر غرورش در مقابل حقیقت قرار می گیرد، غرور، بدترین نوع صفات است چون تمام راه های منتهی به واقعیت را می بندد و انسان را بسوی ضلالت می کشاند. (تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۱۹۴) شیطان که سر سلسله مستکبران است به دلیل همین صفت استکباریش بود که از فرمان الهی برای سجده بر آدم، سر باز زده است. (اعراف/ ۱۱-۱۳)

این عمل (صفت) شیطان در ظاهر مخالفت با فرمان الهی بود، ولی در باطن عجب و استکبارش بود که در مقابل فرمان الهی ایستاد، همین صفت استکباری شیطان موجب طردش از درگاه الهی شد؛ باید بدانیم که شیطان خصوصیتی ندارد، هر کس این صفت را داشته باشد مطرود می گردد. (آداب الصلاة، ۲۰۶ و ۲۳۵)

علت پیدایش استکبار

کسی که در درونش منکر حقیقت باشد، مستکبر است هر چند که به زبان نیاورد. قرآن می فرماید: "فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ". (نحل/ ۲۲)

کسانی که به آخرت ایمان ندارند، دل‌هایشان انکارکننده حقیقت است و خودشان مستکبرند. فرد مستکبر نسبت به دیگران خود پسندی می کند و این خودپسندی و غرور عامل پیدایش استکبار در او است. در واقع استکبار، بیماری غرور و برتری جویی است که در خارج به صورت طغیان و به استضعاف کشاندن دیگران بروز می کند. مستکبر دیگران را به فقر می کشاند تا از فقر آنها به نفع خود بهره گیرد، یعنی استکبار از جهل و فقر دیگران بوجود می آید و از همین جهل و فقر مردم ارتزاق می کند، تا جایی که مستکبر، خود را در این مسیر گم می کند و از آن پس شعورش را در خدمت شهوتش قرار می دهد و خداوند را فراموش می کند؛ و از هوای نفسش



□ فرد مستکبر بخاطر غرورش در مقابل حقیقت قرار می‌گیرد. غرور، بدترین نوع صفات است چون تمام راه‌های منتهی به واقعیت را می‌بندد و انسان را بسوی ضلالت می‌کشاند

□ استکبار از جهل و فقر دیگران بوجود می‌آید و از همین جهل و فقر مردم ارتزاق می‌کند، تا جایی که مستکبر، خود را در این مسیر گم می‌کند و از آن پس شعورش را در خدمت شهوتش قرار می‌دهد و خداوند را فراموش می‌کند

پیروی می‌کند که سبب زایش ملکه استکبار در درون جاننش می‌گردد؛ این فرد علی‌رغم شایستگی‌ها و ارزش‌های والایی که می‌تواند داشته باشد، به ضد خداوند و دشمن بشر مبدل می‌گردد؛ برای همین است که اساس دعوت انبیاء عبودیت حق یعنی مبارزه با ریشه استکبار است. (خاتمی، مطبوعات ایران ۱۳۴۳ - ۱۳۵۳، ص ۹۳، ۸۰ و ۸۱)

استکبار فردی

وقتی صفت استکبار در درون جان انسان بوجود آمد و ملکه وجودش شد، به دو نوع ظهور و بروز پیدا می‌کند، یک نوع آن باطنی و خُلُقی است که در نفس انسان ریشه می‌دواند و بینش انسان را شکل می‌دهد، این فرد دیگر حقیقت را نمی‌پذیرد و کسی که حقیقت را نمی‌پذیرد استکبار باطنی و اخلاقی دارد. قرآن می‌فرماید: "ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ فَقَالَ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ". (مدثر / ۲۴ و ۲۳)

آنگاه پشت گردانید و تکبر ورزید، و گفت: «این [قرآن] جز سحری که [به برخی]

آموخته‌اند نیست.

نوع دوم استکبار فرد، استکبار در خارج از خودش است، کسی که روحاً استکبار می‌ورزد در خارج نیز استکبار می‌کند و مردم را به استضعاف می‌کشاند. (مجموعه آثار شهید مطهری، فلسفه تاریخ در قرآن، ص ۹۱۱ و ۹۱۲) در واقع نوع دوم استکبار در کردار و رفتار مستکبر ظاهر می‌شود و منش مستکبر را شکل می‌دهد. (موجه البیضاء، ج ۶، ص ۲۲۸ / احیاء العلوم الدین، ج ۳، ص ۵۰۰ / خاتمی، مطبوعات ایران ۱۳۴۳ - ۱۳۵۳ ص ۶۳) کسی که تمام ظاهر و باطنش را صفت استکبار فرابگیرد، او خود و خدایش را فراموش می‌کند، قرآن می‌فرماید: "وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ". (حشر / ۱۹) کسانی هستند که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد؛ آنان همان فاسقان هستند.

امام خمینی می‌فرماید: افراد مستکبر از شنیدن آیات الهی دوری می‌کنند لذا استکبارشان روز افزون می‌شود. (آداب الصلاة، ص ۲۰۱) و به خصالت‌های منفی کشیده می‌شود تا جایی که دست به جنایت علیه دیگران می‌زند. بفرموده قرآن اینها با وجود داشتن چشم، گوش و قلب، نمی‌بینند، نمی‌شنوند و نمی‌فهمند و از حیوان پست‌تر می‌شوند: "لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ". (اعراف / ۱۷۹)

آنهایی که قلب دارند ولی با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند، و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند، و گوشهایی دارند که با آنها نمی‌شنوند. آنان همانند حیوان هستند بلکه گمراه‌ترند. آنها همان غافل‌ماندگانند.

امام خمینی می‌فرمود: آنها که بر استکبارشان عناد دارند شقی هستند و آنها که علاوه بر عناد برای ابطال حق دلیل می‌آورند و اشکال تاسیس می‌کنند کل شقاوت هستند که در مقابل سعادت عقلی است. (تقریرات فلسفه، ج ۳، ص ۴۷۸ و ۴۸۱) انبیاء علیهم السلام آمدند تا با استکبار درون و آثار و لوازمش، یعنی استکبار حقیقی بیرون مبارزه کنند تا انسان را از شقاوت به سعادت هر دو جهان برسانند و این همان جهاد اکبر است.



□ امام خمینی می فرماید: افراد مستکبر از شنیدن آیات الهی دوری می کنند لذا استکبارشان روز افزون می شود

□ "آنها که بر استکبارشان عناد دارند شقی هستند و آنها که علاوه بر عناد برای ابطال حق دلیل می آورند و اشکال تأسیس می کنند کل شقاوت هستند که در مقابل سعادت عقلی است"

استکبار اجتماعی

همانگونه که استکبار فردی از درون جان انسان بر می خیزد، استکبار اجتماعی از درون جامعه بر می خیزد. استکبار اجتماعی نیز به دو نوع در اجتماع بروز می کند؛ یک نوعش استکبار اقتصادی است که نمونه قرآنی اش قارون است: "إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ". (قصص / ۷۶)

قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم کرد، و از گنجینه‌ها آن قدر به او داده بودیم که حمل کلیدهای آنها بر مردان نیرومندی سنگین بود.

نوع دوم آن استکبار سیاسی - اجتماعی است که نمونه قرآنی اش فرعون است: "إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ". (یونس / ۸۳)

در حقیقت، فرعون در آن سرزمین برتری جوی و از اسرافکاران بود.

در این عصر نیز، هر دو نوع استکبار وجود دارد. الان نیز عده ای با شعار رفاه و آسایش که جنبه اقتصادی دارد، وارد اجتماع می شوند و مردم فقیر را با وعده زندگی راحتتر، با خود همراه می کنند. این افراد با پیروی از هوای نفس خویش، به قانون اقتصادی کشور تجاوز می کنند و

دیگران را به انزوای اقتصادی و استضعاف می کشانند که بارزترین نمونه امروزی آن شرکت های هر می است.

نوع دوم استکبار اجتماعی حاکمان مستبد هستند. آنهایی که با تجاوز به قانون سیاسی - اجتماعی کشور، دیگران را به انزوا می کشانند و مستبدانه بر جامعه حاکم می شوند. نمونه بارز امروزی آن، حاکمیت هایی است که با کودتا حکومت را در دست می گیرند.

با این وجود استکبار اقتصادی و سیاسی - اجتماعی زاییده گردن کشی و قانون شکنی است. منطق این مستکبرین، تکبر بر دیگران است، و ضعف قانون و حاکمیت علت اصلی توسعه این دو نوع استکبار در اجتماع است. (مستضعفین و مستکبرین از دیدگاه قرآن و عترت، ص ۱۲۵ و ۱۲۸)

کسی که با گردن کشی و تجاوزگری مانوس شد، خود و خدایش را فراموش می کند و خود را حقیقت می پندارد و خود را برتر از دیگران می بیند، لذا علم، قدرت، مکتب و... را برای خودش می داند و با ایجاد نظام های اقتصادی، سیاسی - اجتماعی مستکبرانه دیگران را به استضعاف می کشاند. امام خمینی می فرمود رژیم پهلوی، نماد استکبار بود که به ملت تعدی و تجاوز می کرد. (صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۸۹) تا این که مردم با انقلاب او را بیرون کردند.

این پایان حضور استکبار نبوده و نیست، استکبار هرگز هیچ جامعه ای را راحت نخواهد گذاشت. جامعه ما نیز مستثنی نیست. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مستبدان و مستکبران همراه با هواپرستان و قدرت طلبان، با شعارهای انقلابی و اسلامی وارد میدان شدند تا با تکیه بر ظاهر دین و عوام فریبی در بین مردم مقبولیت بیابند و مردم را که قدرت اصلی انقلاب هستند با خود همراه کنند؛ آنها چنان رفتار می کنند که مخالفین آنها، مخالف اسلام و انقلاب دانسته شود تا بتوانند با تکیه بر مردم، بار دیگر به قدرت برسند. امام خمینی در هشدار به ملت ایران فرمود آنهایی که تا دیروز مبارزه با شاه را حرام کرده بودند، حالا انقلابی تر از انقلابیون شدند و ندای وا اسلاما سر داده اند. (همان، ج ۲۱، ص ۲۸۱)

این ها نه درد دین دارند و نه قصد خدمت به مردم، بلکه فقط برای رسیدن به قدرت، از راه دین وارد می شوند تا به مقصد خودشان برسند.





استکبار بین المللی

استکبار جهانی، زمانی شکل گرفت که کشورهای صنعتی برای دست یابی به منابع مورد نیاز خود و فروش کالاهای تولیدیشان، با اسم پیشرفت و آبادانی وارد کشورهای غیر صنعتی در آسیا و آفریقا شدند و با برتری جویی و خودپسندی خویش به فکر تسلط بر منابع فراوان آن کشورها افتادند. آنها از ضعف و جاه طلبی حاکمان کشورهای فقیر استفاده کرده، به استثمار آن کشورها دست زدند و آنها را به استضعاف کشاندند و با اسم نوسازی، هویت، تاریخ و فرهنگ ملت ها را به نابودی سوق دادند. امام خمینی در این باره می فرمود در این صد سال اخیر که پای کشورهای بزرگ جهان خوار بر کشورهای اسلامی کوچک باز شد، حاکمان کشورهای اسلامی در فکر ملتشان نبودند، اگر کاری کردند برای منافع خود و مرفهین جامعه کردند، آنها همراه با استکبار جهانی دست به چپاول کشور زده بودند. (همان، ج ۲۱، ص ۴۴۸) ایشان می فرمود در واقع استکبار از راه بی توجهی حاکمان و منصوبان آنها بر مصالح کشور حاکم شدند و در ایران با دستان رژیم پهلوی بر ما حاکم شدند. (همان، ج ۱۷، ص ۳۰۴)

ابن خلدون می نویسد: کشوری که مستعمره استکبار شد و به کشور استکباری متکی گردید، عملاً ابزاری برای استکبار شده و به ذلالت کشیده می شود. (مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۸۳) در این عصر چپاول استکبار بین المللی، هر روز به شکل جدیدی در می آید؛ ملت‌ها باید بیدار شوند تا با انقلاب، استبداد و استعمار را بیرون کنند، البته باید بدانیم که استکبار خیلی موزیانه عمل می کند او با اسم های مختلف ملت‌ها را مطالعه می کند تا همیشه، قبل از حرکت ملت‌ها سیستم استکباری خود را نوسازی کند.

زمانی که ملت‌ها بیدار می شوند، استکبار، با استعمار نو، یعنی با سیستم‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی که در اختیار دارد و براساس همین سیستم‌ها نبض زندگی اجتماعی بشر امروزی تعریف شده است، وارد عمل می شود تا ملت‌ها را در درون و بیرون مرزها به بند کشاند. هر چند که استکبار بین‌المللی ذاتاً جهانی و جهانخواهی است اما توسعه دامنه سلطه و وابستگی به او، بستگی به میزان قدرت و اقتدارش دارد که با تکیه بر نیروهای اقتصادی، سیاسی، نظامی با زرادخانه‌های هسته‌ای و تکنولوژی‌هایی که در خدمت گرفته، همه نوع سلطه استکباری را فراهم می کند. (خاتمی، مطبوعات ایران ۱۳۴۳ - ۱۳۵۳، ص ۷۲ و ۷۳) در این زمینه یعنی استعمار نوین، کشور عزیز ما مستثنی نیست؛ امام خمینی می فرمود: استکبار از همه کمین‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی حمله می کند. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۹) باید همیشه و همه جا هوشیار باشیم و تکنیک‌هایمان را بروز کنیم تا بتوانیم در مقابل استکبار جدید بایستیم.

باید بدانیم که جدیدترین نوع استکبار، برای چپاول ملت‌ها، استکبار فرهنگی است. و این استکبار زمانی شکل گرفت که ملت‌های در تحت ستم استکبار، برای رهائی از چنگال استکبار، به سوی فرهنگ و مکتب خویش روی آوردند. در همین زمان استکبار جهانی با معنای کلاسیک (توسعه قدرت) وارد میدان شد. او برای بقای خود مکتب‌هایی را ایجاد و به جامعه عرضه کرد تا مردم را از درون تهی کند؛ انسان تهی شده راحت‌تر خود را گم می کند و از منشاء خود بیگانه می شود و با دور افتادن از حقیقت خویش، در باطل غرق می گردد. در واقع استکبار در این دوره، برای تداوم حیاتش، خود را به شکل نظام فکری و ارزشی بر بشریت تحمیل نمود، با این برنامه

□ "رژیم پهلوی، نماد استکبار بود که به ملت تعدی و تجاوز می کرد. تا این که مردم با انقلاب او را بیرون کردند"

□ استکبار جهانی، زمانی شکل گرفت که کشورهای صنعتی برای دستیابی به منابع مورد نیاز خود و فروش کالاهای تولیدیشان، با اسم پیشرفت و آبادانی وارد کشورهای غیر صنعتی در آسیا و آفریقا شدند و با برتری جویی و خودپسندی خویش به فکر تسلط بر منابع فراوان آن کشورها افتادند

تصرف آب، خاک و هوا مطرح نیست، بلکه تصرف منابع و سرمایه های معنوی مطرح هست.
(مطبوعات ایران ۱۳۴۳ - ۱۳۵۳، ص ۶۶، ۷۳ و ۷۴، و نقش امام در مبارزه با استکبار، ص ۳۸)

استکبار فرهنگی به آب و خاک حمله نمی کند، او به فرهنگ جامعه که هویت مردم است حمله می کند، و با خواب مصنوعی برای ملت ها، سلطه استکباریش را با دست مردم همان کشورها پهن می کند، یعنی بوسیله تزریق فرهنگ خود، وابستگی فرهنگی را ایجاد می کند. امام خمینی در مورد این نوع وابستگی می فرمود وابستگی فرهنگی که بزرگ ترین وابستگی و سرچشمه همه وابستگی ها است را بر مردم تحمیل می کند. (صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۷۹) ملت ها باید با دقت، حيله و فریب استکبار را بشناسند و آن را خنثی کنند. (همان، ج ۲۱، ص ۱۲۱) یعنی همان کاری که انبیاء برایش مبعوث شدند را انجام بدهند. آنها آمدند تا استعدادها را شکوفا کنند، تا مستضعفین را از تحت سلطه استکبار بیرون آورند. (همان، ج ۱۷، ص ۵۲۷) امروزه بزرگترین سلطه، سلطه فرهنگی است که باید تلاش کرد از تحت این سلطه خارج شد، برای رهایی از این سلطه باید به فرهنگ خود بازگشت تا با احیای هویت فرهنگی خود از چنگال استکبار خلاص شد.

نقشه استکبار برای رسیدن به مقصدش، در هر جامعه ای، این است که فرهیختگان

برجسته‌اش را کنار می‌زند تا دانش آموختگان فرهنگش و پرورش یافته گان مکتبش را بر اجتماع مسلط کند. (مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۵۵) امام خمینی در این باره می‌فرمود برای شکست انقلاب اسلامی ایران، از راه مقدس نماهای حوزه و دانشگاه وارد شدند تا با تزویر آنها، محتوای اسلام را از درون نابود کنند. (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۸۷) از روحانیون انقلابی و مبارز شکست خورده اند، از روحانی نماهایی که تا حد مرجعیت تقویتشان نموده اند استفاده می‌کنند. چون تمام ترس استکبار، از عملی شدن فقه و اجتهاد راستین اسلام است. (همان، ص ۲۸۷ و ۲۸۹)

مبارزه با استکبار

استکبار بین المللی علاوه بر تسلط فیزیکی، با مبانی فلسفی خود، مکاتبی برای زندگی اجتماعی ایجاد نمود و به آن، نظام فکری و ارزشی بخشید و در سراسر دنیا فعالانه حضور یافت، و همه دنیا را با رنگ و لعاب زندگی و رفاه ساختگی به منجلا بی فقر کشانده تا خودش به رفاه برسد. برای مبارزه با این دشمن جهانی باید با اندیشه‌ای جهانی مسلح شد.

اسلام دینی جهانی با زبان فطرت بشری است: "فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ" (روم / ۳۰)

پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشت آفریده است. آفرینش خدای تغییر ناپذیر است. این همان دین پایدار است، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

اسلام دینی است که برای زندگی آمده است. (ولایت فقیه، ص ۱۱ و ۱۰) همه برتری‌ها در اسلام وجود دارد، ولی تنها داشتن برتری‌ها کافی نیست، دین برتر باید توسط رهبر قوی به صورت کامل و جامع معرفی گردد، و مبارزاتش با استکبار دارای بار فرهنگی و ارزشی گردد. و مسیر مبارزه، برای حاکمیت فضیلت انسان تبیین شود، تا پیروانش در مقابل استکبار بین المللی بایستند.

انبیاء الهی برای دست یابی به مبارزه‌ای با این وسعت، اول مبارزه با استکبار درون، یعنی جهاد با نفس که ریشه استکبار است را انجام می‌دادند و بعد به لوازم و آثار استکبار نفس که



□ باید بدانیم که جدیدترین نوع استکبار، برای چپاول ملتها، استکبار فرهنگی است. و این استکبار زمانی شکل گرفت که ملت های در تحت ستم استکبار، برای رهایی از چنگال استکبار، به سوی فرهنگ و مکتب خویش روی آوردند

همان استکبار اجتماعی و جهانی است می پرداختند. امام خمینی می فرمود: انبیاء آمدند تا بشر را از اسارت نفس نجات دهند. (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۲۷) تمام جهادهای دنیا تابع همین جهاد است. (تفسیر سوره حمد، ص ۱۲۳) وقتی انسان در مبارزه با استکبار درون پیروز شد می تواند خود را از اسارت ستمگران نجات دهد. (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۲۷) هدف تمام انبیاء، مبارزه و ریشه کن نمودن استکبار بود. (همان، ج ۱۵، ص ۵۰۷)

امام خمینی با این اندیشه، به وسیله قاعده نفی سیل: "لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا" (نساء / ۱۴۱) (خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است) تمام مظاهر استکبار را نفی نمود (کتاب البیع، ج ۲، ص ۷۲۰-۷۲۱) و با آن به مبارزه برخاسته است.

اولین سند مبارزات سیاسی و تاریخی در صحیفه امام، علیه استکبار اجتماعی و بین المللی، پیام دعوت قیام برای خدا است که در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۳ شمسی آن را صادر نمودند و در این پیام، قیام برای خدا را، تنها راه اصلاح هر دو جهان دانسته اند، و قیام انبیاء علیهم السلام را در همین مسیر خواندند و مردم را برای قطع دست اجانب از این مملکت به قیام در راه خدا دعوت نمودند. (صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۱-۲۳) این مبارزات سیاسی - اجتماعی امام خمینی، در سال ۱۳۴۱ با اعتراض به «مصوبه انجمن های ایالتی و ولایتی»، به صورت گسترده ادامه یافت و مردم را به میدان مبارزه کشاند. (همان، ص ۷۸) و این مبارزه سیاسی - اجتماعی در مسئله لایحه «کاپیتولاسیون» به مبارزه با استبداد داخلی و استکبار بین المللی تبدیل شد و اوج گرفت (همان، ص ۴۱۶-۴۱۵) که در نتیجه استبداد

داخلی با پشتیبانی استکبار خارجی، ایشان را به خارج از کشور تبعید نمودند. ایشان در تبعید گاهش (نجف اشرف) به مبارزاتش علیه استکبار وسعت بخشید. (همان، ج ۲، ص ۳۲۲) امام خمینی که دوران تبعید از عراق اخراج شد و به فرانسه رفت، برنامه مبارزاتی اش را تا قطع دست استکبار از کشور اعلام نمود. (همان، ج ۴، ص ۴۳۲) و هرگز از اهداف اصلی قیام عدول نکرد. ایشان برای رسیدن به حکومت جمهوری اسلامی، برای اجرای فرامین اسلام در جامعه، مبارزه با استبداد داخلی و استکبار بین المللی را هدف قرار داده بود. (همان، ج ۵، ص ۴۷۶) امام در این مسیر با ایمان راسخ الهی ایستاد تا پیروز شد و حکومت جمهوری اسلامی ایران را، بدون یک حرف زیادتیر و یا کمتر. (همان، ج ۶، ص ۳۲۴) تشکیل داد.

بر اساس همین اندیشه جهانی اسلام و تبیین فرا منطقه ای امام خمینی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سعادت تمام انسان ها آرمان جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت، لذا مبارزه هر ملتی در سراسر دنیا مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران / اصل ۱۵۴) و بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران قاطع ترین و جدی ترین دشمن سلطه استکبار در جهان شد. (چهار سال با مردم، ص ۱۴۰)

استکبار جهانی علاوه بر راه اندازی جنگ هشت ساله و محاصره اقتصادی ایران، از راه تبلیغات وسیع با تمام توان وارد جنگ فرهنگی و تبلیغاتی با انقلاب اسلامی ایران شد. (چهار سال با مردم، ص ۴۴) و انقلاب اسلامی ایران برای ایستادگی در مقابل تمام استکبار بین المللی، بر مبنای اسلام ناب محمدی (ص)، به مبارزاتش بار فلسفی و ارزشی داد، در واقع امام خمینی با ایجاد فرهنگ جهاد و مبارزه اسلامی و با تشکیل بسیج عمومی بر ضد استکبار جهانی برخاست و این مبارزه اسلامی، تا قطع طمع استکبار از کل کشور را عبادات الهی خواند. (صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۰۵) و اتحاد ملل اسلامی در مقابل استکبار جهانی را طرح نمود. (همان، ص ۵۸، ۶۱) و مردم را سفارش می نمود که هرگز سلاح مبارزه با استکبار را بر زمین نگذارند. (همان، ج ۲۰، ص ۳۸)

استکبار مانند همیشه، با تمام توان، تلاش می کرد تا از هر راهی، در بین مردم تفرقه ایجاد کند، و امام خمینی با هشدار های لازم و به موقع، مردم را از نقشه تفرقه انگیزانه آنها مطلع می کرد.



(همان، ج ۱۷، ص ۳۲۶) و قدرت نظامی و سیاسی استکبار جهانی را مانند لانه عنکبوت سست و در حال فرو ریختن می خواند. (همان، ج ۲۰، ص ۳۱۹) و می فرمود هیچ وحشتی از شرق و غرب نداشته باشید و هرگز با آنها سازش نکنید و هر مقام مسئولی خواست با آنها سازش کند، بدون هیچ ملاحظه‌ای کنارش بگذارید، سازش با استکبار خیانت به اسلام و مسلمین است. (همان، ج ۱۲، ص ۱۴۸)

امام خمینی دامنه مبارزات عملی ایرانیان با استکبار جهانی را با برنامه برائت از مشرکین در ایام حج، به خارج از مرزهای ایران کشاند و آن را تظاهرات علیه استکبار جهانی می خواند. (همان، ج ۲۱، ص ۲۲) در این تظاهرات مسلمانان کشورهای دیگر شرکت می کردند و یا حداقل نظاره گر آن بودند و جرئت مبارزه علیه استکبار را می دیدند. در واقع امام خمینی با این اقدام، استکبار جهانی را در صف مقابل مسلمین جهان بلکه مستضعفان عالم، در گنگره بزرگ حج قرار داد.

در مورد برائت از مشرکین در همان زمان حیات امام خمینی، عده ای فکر می کردند که برائت از مشرکین در گنگره حج فائده ای ندارد و می گفتند: در آن کشورها آزادی بیشتر از اینها وجود دارد که با کشتار حجاج خلاف تفکرشان ثابت شده است. (همان، ص ۸۳ و ۸۴) در واقع، کشتار حجاج در حال برائت از مشرکان برای حفظ سیاست های استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی (ص) بوده است. (همان، ص ۸۰)

در نهایت، مبتکر و رهبر بزرگترین انقلاب قرن بیستم، امام خمینی، همه مبارزاتش را از عنایت الهی و همت محرومان می دانست. (همان، ج ۱۹، ص ۴۵۵؛ ج ۱۷ ص ۲۴۷)

و خداوند نیز طبق وعده الهی اش: "يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ". (محمد / ۷)

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید یاریتان می کند و گام هایتان را استوار می دارد) یاریش نمود و به پیروزی رساند و به پاس اخلاصش، او را علم بر افراشته مبارزه با استکبار جهانی قرار داد که چهره‌های سیاسی و مبارز جهان، پایداریش را در برابر استکبار جهانی می ستایند و او را رهبر همه آزادگان و مبارزان جهان می خوانند. (نخبگان جهان، ص ۲۰۹؛ و امام و انقلاب در آینده اندیشه جهان، ص ۸۰۷ و ۸۱)

منابع و ماخذ:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- الامام خمینی، کتاب البیع ج ۲، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول ۱۳۷۹
- ۴- امام خمینی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، دهم ۱۳۷۹
- ۵- امام خمینی، "شرح حدیث جنود عقل و جهل"، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵
- ۶- امام خمینی، تفسیر سوره حمد، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چهارم ۱۳۷۸
- ۷- امام خمینی، آداب الصلاه (آداب نماز)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ششم ۱۳۷۸
- ۸- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، صحیفه امام: مجموعه آثار (دوره بیست و دو جلدی)، تهران، ۱۳۸۴
- ۹- اردبیلی، سید عبدالغنی، تقریرات فلسفه امام خمینی، ج ۳ (اسفار)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول ۱۳۸۱
- ۱۰- ابن منظور، لسان العرب ج ۱۳، بیروت، دار الاحیاء التراث العربیه، الاولی ۱۴۰۸
- ۱۱- امام و انقلاب در آئینه اندیشه جهان، تهیه و تدوین: سازمان بهزیستی مازندران، قم، دار الحسین، اول ۱۳۶۹
- ۱۲- ابن خلدون، عبدالرحمان، مقدمه ابن خلدون ج ۱، مترجم: محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، هشتم ۱۳۷۵
- ۱۳- اسکندری، محمد حسین، مستضعفین و مستکبرین از دیدگاه قرآن و عترت، مجله نور علم، شماره ۳۳، ۱۴۱۰ق و شماره ۳۴ اسفند ۱۳۶۸
- ۱۴- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۲، تهران، دانشگاه تهران، دوره جدید، اول ۱۳۷۸
- ۱۵- سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران، اسلام، نوزدهم ۱۳۷۷
- ۱۶- خاتمی، سید محمد، مطبوعات ایران ۱۳۴۳ - ۱۳۵۳، تالیف، برزین، مسعود، تهران، بهجت، ۱۳۵۴
- ۱۷- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران دارالکتاب اسلامی، دوازدهم ۱۳۸۶
- ۱۸- مقدس، علی اصغر، مستکبرین و مستضعفین از دیدگاه امام خمینی، مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و احیاء تفکر دینی ج ۲، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول ۱۳۷۷
- ۱۹- جعفری، سید اصغر، نقش امام در مبارزه با استکبار، نگاهی به سومین سمینار اندیشه های دفاعی امام خمینی ج ۱، تهران، دفاع، اول ۱۳۷۸
- ۲۰- خامنه ای، سید علی، چهار سال با مردم، تهران، حزب جمهوری اسلامی، بی تا
- ۲۱- فیض کاشانی، ملا محسن، محجه البیضاء ج ۶، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اثنیه، بی تا
- ۲۲- غزالی، محمد، احیاء العلوم الدین ج ۳، بیروت، دارالهادی، الاولی ۱۴۱۲ق
- ۲۳- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری ج ۱۵ (فلسفه تاریخ در قرآن)، تهران، صدرا، سوم ۱۳۸۶
- ۲۴- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران